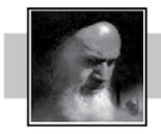
درمکتب امام



تمام عشقمان به خدا باشد نه تاریخ

دفاع از اسلام و حزب‌الله اصل خدشه‌ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است. ما باید مدافع افرادی باشیم که منافقین سرهاشان را در مقابل زنان و فرزندانشان در سر سفره افطار گوش تا گوش بریدند. ما باید دشمن سرسخت کسانی باشیم که پرونده‌های همکاری آنان با آمریکا از لانه جاسوسی بیرون آمد. ما باید تمام عشقمان به خدا باشد نه تاریخ. کسانی که از منافقین و لیبرالها دفاع می کنند، پیش ملت عزیز و شهید داده ما راهی ندارند.

صحیفه امام؛ ج۲۱؛ ص۳۲۶ | جماران؛ ۲ فروردین ۱۳۶۸

سالگرد آخرین سخنرانی شاه

شاه اعتراف کرد که خائن است

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

«... من آگاهم که به نام جلوگیری از آشوب و هرج‌ومرج این امکان وجود دارد که اشتباهات گذشته و فشار اختناق تکرار شود... من آگاهم که ممکن است بعضی احساس کنند که به نام مصالح و پیشرفت مملکت و با ایجاد فشار این خطر وجود دارد که سازش نامقدس فساد مالی و فساد سیاسی تکرار شود...»

این جملات از آخرین سخنرانی محمدرضا پهلوی در ۱۵ آبان ۱۳۵۷ است، پس از کشتار وحشیانه دانش‌آموزان و دانشجویان در ۱۳ آبان، پشت دربهای دانشگاه تهران و پس از نمایش خشم مردم در روز ۱۴ آبان که شاه و اربابانش را به‌شدت به هراس انداخت تا دریابند همه حکومت‌نظامی‌هایی که به مدت دو ماه در سراسر ایران برقرار کردند، به کار نیامده و حالا برای سرکوب نهایی بایستی به دولت نظامی متوسل شوند.

در این جملات شاه صریحاً و رسماً اقرار کرده که در رژیم او، اختناق و فساد مالی و سیاسی وجود داشته و تحت لوای برقراری نظم و پیشرفت مملکت، همان فساد و اختناق ادامه پیدا خواهد کرد. او با چهره و بیانی سخن می‌گفت که مثل همیشه نبود، برخلاف همه ۳۷ سال قبل، نشانی از تبختر و تکبر و کلمه‌هایی که همواره به کار می‌برد، به چشم نمی‌خورد، او برای نخستین بار به جای «ما» از واژه «من» استفاده کرد. او برای نخستین بار به فساد و ظلم رژیمش اعتراف کرد. آنچه که امروز بقایا و پس‌مانده‌هایش به دستور همان اربابان آمریکایی و به کمک رسانه‌های زنجیره‌ای خود، همچنان تطهیر کرده، دوران طلایی جلوه داده و با سوءاستفاده از حافظه ضعیف تاریخی برخی و سانسور و تحریف، آن رژیم را به‌عنوان نظام ایده‌آل قالب می‌کنند!

شاه به‌طور علنی و رسمی در مقابل چشم‌های میلیون‌ها بیننده تلویزیون خودش، صریحاً اذعان نمود که ملت ایران علیه ظلم و فساد رژیمش به پا خاسته است و گفت:

«... ملت عزیز ایران! در فضای باز سیاسی که از دو سال پیش به‌تدریج ایجاد می‌شد، شما ملت ایران علیه ظلم و فساد به پا خاستید...»

شاه اعتراف کرد که صدای انقلاب مردم ایران را شنیده است، آنچه که پس از گذشت ۴۸ سال هنوز طیف وسیعی از شبه‌روشنفکران و مدعیان فکر و اندیشه نشنیده و نفهمیده و نگرفته‌اند! البته تکلیف مزدوران و مزدبگیران و جیره‌خوران که روشن است و قرار نیست هیچ‌گاه آن‌ها چیزی به جز آنچه اربابانشان می‌خواهند را بشنوند. شاه نیز به خواست اربابان خود، از سر ناچاری اذعان کرد که صدای انقلاب مردم ایران را شنیده است. آنچه که همان اربابان، سال‌ها پیش شنیده بودند. شاه اعتراف کرد که در رژیمش، هرگز دولت ملی و انتخابات آزاد یا اصلاً انتخاباتی وجود نداشته است. او گفت:

«... متعهد می‌شوم که... در اسرع وقت یک دولت ملی برای آزادی‌های اساسی و انجام انتخابات آزاد، تعیین شود...» وی اقرار کرد که حکومتش هیچ‌گاه بر اساس عدالت اجتماعی و اراده ملی نبوده و همواره با استبداد و ظلم و فساد همراه بوده است.

نمایش نکبت‌بار شاه!

به دنبال این سخنرانی، برخی از دار و دسته‌های شاه مثل مادرش، اشرف پهلوی و سران ساواک و... برآشفته شده و آن را نشانه ضعف او دانستند و برخی دیگر نیز آن را تنها راه خروج از بحران به‌وجودآمده دانستند. مثلاً پرویز راجی، سفیر ایران در لندن در کتاب خاطراتش، ذیل تاریخ دوشنبه ۶ نوامبر ۱۹۷۸ [۱۵ آبان ۱۳۵۷] نوشته است:

«... ساعت ۱۰ صبح به نطق شاه از رادیو تهران گوش می‌دادم... شاه در این نطق برخلاف همیشه به‌جای کلمه «ما» ضمیر «من» را به کار برد، و با حالتی آشتی‌جویانه که بیشتر به نظر پوزش‌خواهانه می‌آمد روی کار آوردن دولت نظامی را ناشی از اجبار دانست. شاه ضمن سخنانش... متعهد شد که «خطاهای گذشته و بی‌قانونی و ظلم و فساد» دیگر تکرار نشود، قول داد با فساد مبارزه کند و در اسرع وقت یک حکومت «ملی» و «دموکراتیک» را به سر کار بیاورد. نطق شاه به‌نظرم نوعی نمایش غم‌انگیز و نکبت‌بار آمد، گویی او با وضعی حقارت‌آمیز دست گدایی به سوی خمینی دراز کرده باشد. و البته هیچ‌کس تردیدی هم ندارد که خمینی دست ردّ به سینه او خواهد زد.»

همان‌گونه که در این خاطره هم آمده، مردم و انقلابیون و در رأس همه شخص امام، این عمل شاه را بیهوده و بی‌اثر در روند مبارزات و نشانه به آخر خط رسیدن او و رژیمش محسوب کرده و تنها راه خروج از بحران را همچنان خلع شاه و الغای سلطنت پهلوی و برقراری حکومت اسلامی می‌دانستند.

حتی این اظهار عجز را هم برایش نوشتند!!

اما اسناد و شواهد مستند نشان می‌دهد که متن نطق تلویزیونی شاه را افرادی مانند رضا قطبی (رئیس وقت رادیو تلویزیون ملی ایران و پسر دایی فرح دیبا)، حسین نصر (رئیس دفتر فرح دیبا) و هوشنگ نهاوندی (از نزدیکان فرح دیبا و رئیس دفتر مخصوص او) نوشته‌اند و البته این نخستین باری نبود که متون سخنرانی و کتاب‌های منسوب به شاه را دیگران می‌نوشتند، چنان‌که کتاب «به سوی تمدن بزرگ» را شجاع‌الدین شفاء نوشت.

متن نطق مذکور که بسیار عجیب و نامتعادل و عجولانه تهیه شده بود با دست‌خط شخص رضا قطبی به تلویزیون فرستاده شد و در اختیار شاه قرار گرفت. بعدها سند آن از سوی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی و از مقدمه دست‌نوشته‌های همان نطق تلویزیونی شاه منتشر گردید که یادداشت یکی از نزدیکان قطبی، در دفتر مدیرعامل سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران ضمیمه آن شده و برایش ارسال نموده بود. در آن، نسبت به این عمل قطبی (ارسال متن خطابه با دست‌خط خودش) اظهار تعجب و حتی اعلام خطر کرده بود. متن آن سند به این شرح است:

«سربرگ رادیو تلویزیون ملی ایران، مدیرعامل

رضاجون (خطاب به رضا قطبی)، به هیچ‌وجه صلاح نیست کسی بفهمد یا حتی احتمال بدهد که تو نطق را نوشته‌ای. کم کسانی نیستند که از شاه تنفر دارند و به هر قیمتی مایلند از بین برود و اشتباهات خود را تکرار کرده و منفور همه شود. اگر بدانند تو این کلمات را نوشته‌ای به‌خصوص از آنجا که بسیار مؤثر و دلنشین بود، تصور خواهند کرد که تو مغز متفکر ایشان هستی و در نتیجه TARGET [هدف] خواهی شد. صحیح نبود که دست‌خط خود را به TV بدهی؛ بالاخره خواهند فهمید یا مگر آنکه آن‌قدر از زندگی دلزده شده و کماکان آرزوی همیشگی خود را برای فدا شدن در راه وطن داشته باشی که خود را این‌چنین در خطر بیندازی.»

شاه کاملاً از نطق خود راضی بود

برخی گفته‌اند که شاه تا لحظه آخر از فحوای آن خطابه آگاهی نداشته و وقتی آن را مطالعه کرد عدم رضایتش را اعلام نمود. اما سند مهم و غیرقابل‌انکاری وجود دارد که نشان می‌دهد شاه پس از نطق یادشده، از آن راضی بود و این رضایت خود را ابراز نمود و خواست که بر اساس محتوای آن نطق در میان اقشار مختلف تبلیغ آرامش و تأمل و سکون شود.

شاه پس از سخنرانی خود در ۱۵ آبان ۱۳۵۷، با علی امینی (از دوستان و نخست‌وزیران سابق خود در اوایل دهه ۴۰) تماس گرفت تا بازتاب آن را در محافل سیاسی ارزیابی نماید و در یک مکالمه ۴-۵ دقیقه‌ای با امینی، ضمن ابراز رضایت از سخنرانی یادشده، همان مسائل مربوط به فساد و ظلم که در طی نطقش، مورد اشاره و تأکید قرار داده بود را مجدداً بازگو کرد و مورد تأیید قرار داد. بخشی از آن مکالمه، براساس متن پیاده‌شده از دومین تماس تلفنی شاه با امینی به تاریخ دوشنبه پانزدهم آبان ۱۳۵۷ (از کاخ نیاوران به منزل علی امینی در تهران) به شرح زیر است:

«... شاه: بله شنیدم که (نطق تلویزیونی ۱۵ آبان ۵۷) خیلی تأثیر خوبی کرده، آن‌هایی که شنیده‌اند می‌گفتند.

امینی: حتماً مؤثر است

شاه: در هر صورت ما [سخنرانی خطاب به مردم] راجع به گذشته هم صحبت کردیم، خبط و خطا و فساد و ظلم، همه‌چیز.

امینی: خب، اینا خیلی مؤثره قربان

شاه: گفتیم دیگر تکرار نخواهد شد و این حکومت [دولت نظامی] هم البته قبلاً گفتیم فقط موقتی است... (این دولت در مجلس) می گوید من برنامه‌ای ندارم غیر از برقراری نظم و مبارزه با فساد همین، چون وقت نیست.»

امام: به شاه فرصت ندهید

شاه و اربابانش فقط فرصت می‌خواستند تا بتوانند در برابر طوفان ملت که هر زمان اوضاع آن‌ها را بیشتر به هم می‌ریخت، خود را پیدا کرده و ترفند و حیله و نیرنگ دیگری برای بقای خویش سوار کنند، اما این حضرت امام خمینی بودند که به‌سان یک رهبر حکیم، هر آن به مردم هشدار و انذار دادند که درنگ نکنند و به محمدرضا و اربابانش مهلت ندهند. از جمله در پیامی به ملت ایران در تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۵۷ یعنی یک روز بعد از اعترافات شاه فرمودند:

«... ملت ایران باید بداند که این نطق‌های فریبنده برای اغفال مردم و فرونشاندن آتش خشم ملت است، تا تثبیت مقام کرده و قدرت را بازیابد؛ و خدا می‌داند که اسلام و روحانیت و عموم ملت پس از آن با چه مصیبت‌های دردناکی مواجه خواهد شد. عزیزان من!... از این نرمش‌های شیطانی و توبه‌نامه‌های ابلیسی فریب نخورید، که نمی‌خورید. شاه در اول سلطنت غاصبانهٔ خود سوگند خورد که به اسلام وفادار باشد و به ملت خیانت نکند و اکنون اعتراف می‌کند که خائن است و اسلام و ایران را به تباهی کشانده است و تمام خیانت‌ها عمدی بوده است که امروز اسم «اشتباه» بر آن می‌گذارد. غفلت نکنید که این اشتباهات عمدی تکرار خواهد شد و کشور را به نیستی و ملت را به تباهی خواهد کشاند...»

گزارش روز دویست و پنجاهم جنگ

ضربه‌ای که آیت‌الله به آمریکا زد بمب اتمی نمی‌توانست

در تاریخ انتخابات آمریکا کمتر سابقه داشته که تحلیلگران پرشماری به‌جای برنده اعلام کردن حزب جمهوری‌خواه یا حزب دموکرات، دست طرف جنگ آمریکا را بالا ببرند. اما این اتفاق برای دومین بار درباره ایران اتفاق افتاده است.

تحلیلگران در دویست‌وپنجاهمین روز جنگ نه‌تنها دست ایران را به‌عنوان پیروز آوردگاه انتخابات آمریکا بالا بردند بلکه گفتند و نوشتند که ایران، نسخه پایان برقدرتی آمریکا را پیچیده است. مایکل شرکین؛ تحلیلگر سابق مسائل دفاعی و امنیت بین‌الملل CIA و پژوهشگر اندیشکده RUSI در این باره تصریح کرد: این، همان انتقام آیت‌الله است

متکبر متوهم، اعتراف کرد

دونالد ترامپ، در واکنش به شوک سنگین شکست متحدانش در انتخابات کنگره پذیرفت که جنگ با ایران در شکست جمهوری‌خواهان نقش داشته است.

او به فاکس‌نیوز گفت مردم احتمالاً نتوانستند پیامدهای کوتاه‌مدت قیمت بنزین پس از جنگ ایران را ببینند. جنگ با ایران و پیامدهای اقتصادی آن، از جمله افزایش قیمت بنزین، در شکست جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای نقش داشته است. بسیاری از مردم با سیاست من در قبال ایران موافق هستند، اما حاضر نیستند پیامدهای اقتصادی این جنگ، به‌ویژه افزایش قیمت سوخت را تحمل کنند.

دو شکست دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان از ایران

استواری ایران، دست‌کم دومین بار است که حزب حاکم را در انتخابات آمریکا به شکست می‌کشاند. در این باره شبکه بی‌بی‌سی گفت: درست در چنین روزی، ۴۷ سال پیش، دانشجویان پیرو «خط امام» سفارت آمریکا در تهران را اشغال کردند و دیپلمات‌های آمریکایی را به گروگان گرفتند. بحرانی که ۴۴۴ روز ادامه یافت و به شکست جیمی کارتر در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۹۸۰ کمک کرد. ایران بار دیگر بر انتخابات داخلی آمریکا تأثیر گذاشته است. جنگ با ایران، همراه با افزایش شدید قیمت انرژی و بالا رفتن هزینه‌های زندگی، به شکست سنگین جمهوری‌خواهان در انتخابات میان‌دوره‌ای منجر شده و دموکرات‌ها کنترل هر دو مجلس کنگره را به دست گرفتند.

راز زیمت تحلیلگر امنیتی صهیونیست هم نوشت: همه این اتفاقات در سالگرد تسخیر سفارت آمریکا در تهران در سال ۱۹۷۹ و آغاز بحران گروگان‌گیری رخ می‌دهد. برخی در ایران، شکست جیمی کارتر در انتخابات ریاست‌جمهوری در پی بحران گروگان‌گیری را با شکست دیپلماسی جمهوری‌خواهان مقایسه می‌کنند و این اتفاق را نشانه‌ای می‌دانند از اینکه ایران بار دیگر توانسته است نتیجه یک انتخابات در آمریکا را تحت تأثیر قرار دهد.

نگاه سمّی حامیان ترامپ به نقش نتانیاهو

امیر تیبون ستون‌نویس ارشد روزنامه هاآرتص هم می‌نویسد: نتیجه‌ای که در ایالات متحده رقم خورد، یک زلزله سیاسی است و پیامدهای بسیار مهمی برای اسرائیل دارد. بزرگ‌ترین اکثریت در ۲۰ سال گذشته، و با مجموعه‌ای از پیروزی‌های باورنکردنی در مجلس سنا: تگزاس، کانزاس و کارولینای جنوبی؛ ایالت‌هایی که دموکرات‌ها دهه‌ها در آن‌ها پیروز نشده بودند. ترامپ متحمل شکستی تاریخی شده است و دو سال پایانی ریاست او صرف تحقیقات بی‌وقفه درباره خودش، خانواده‌اش، مشاوران و اطرافیانش از سوی کمیته‌های کنگره تحت کنترل دموکرات‌ها خواهد شد. پس از اتفاقات امشب، نتانیاهو در نگاه جمهوری‌خواهان نیز به چهره‌ای سمّی تبدیل می‌شود. آن‌ها قرار است او را مسئول شکست خود بدانند؛ به‌عنوان کسی که ترامپ را به یک دور طولانی، پرهزینه و فرسایند درگیری با ایران سوق داد. مفسرانی که به معاون رئیس‌جمهور، ونس، نزدیک هستند، همین حالا شروع به انتشار این پیام در شبکه‌های اجتماعی کرده‌اند: «ما شکست خوردیم، چون به نتانیاهو گوش دادیم». امروز برند نتانیاهو بدترین برند آمریکاست.

سونامی هراس در اسرائیل

در حالی که شبکه عبری ۲۴ در واکنش به نتایج انتخابات آمریکا می گوید «این دیگر یک موج نیست، بلکه یک سونامی است»، کانال ۱۴ رژیم صهیونیستی گفت: می‌دانیم آنچه اکنون اتفاق افتاده، غم‌انگیز، دشوار، ترسناک و نگران‌کننده است؛ نه فقط برای آمریکا، بلکه برای اسرائیل و یهودیانی که اینجا زندگی می‌کنند. آنچه اتفاق افتاد را واقعاً می‌توان یک «سونامی» نامید؛ ترامپ حالا بسیار ناامید و سرخورده شده است.

همچنین روزنامه وال‌استریت ژورنال نوشت: مشاوران آقای ترامپ، هم در داخل و هم خارج کاخ سفید، به او هشدار می‌دهند که میراث او برای همیشه با جنگی که او در ماه فوریه به همراه اسرائیل علیه ایران آغاز کرد، گره خورده خواهد بود.

ترجیح می‌دادم ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد تا این‌طور شکست بخوریم!

مت والش، مجری مطرح محافظه‌کار می‌گوید: جنگ ایران بزرگ‌ترین اشتباه محاسباتی سیاسی حداقل در دو دهه اخیر است. یک تصمیم فوق‌العاده احمقانه. خیانتی بخشش‌ناپذیر به اصول «اول آمریکا».

من معتقدم همین شکست برای اثبات این موضوع کافی است که ادامه این جنگ ارزشش را ندارد. باز هم تأکید می‌کنم، سپردن کشورمان به کمونیست‌ها ارزش چنین بهایی را ندارد. راستش را بخواهید، اول از همه، من اصلا قبول ندارم که هدف واقعی این جنگ جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بوده یا اینکه اساساً بتواند چنین هدفی را محقق کند.

اما حتی اگر هم هدف همین باشد، باز هم به نظر من سپردن کشورمان به کمونیست‌ها، حتی برای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، ارزشش را ندارد. ترجیح می‌دهم ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد تا اینکه کشور من به دست کمونیست‌ها اداره شود.

ضربه‌ای که ایران زد، بمب اتمی نمی‌توانست

برخی دیگر از تحلیل‌های تحلیلگران هم خواندنی است:

- پیچی کینان، تحلیلگر ارشد وب‌سایت فدرالیست و دبیر همکار نشریه امریکن ماینذ: ایران همین حالا ضربه‌ای به آمریکا زده که هیچ بمب اتمی هم نمی‌توانست چنین خسارتی به آن وارد کند!

- نیکی راد فعال رسانه‌ای آمریکایی: چطور در یک انتخابات شکست بخورید: با ایران وارد جنگ شوید.

- جنک اویغور تحلیلگر سیاسی و مدیرعامل شبکه رسانه‌ای TYT: پیام این انتخابات کاملا روشن است: دیگر جنگ نمی‌خواهیم! همین حالا از جنگ ایران خارج شوید، سربازانمان را به خانه بازگردانید

- ماریو نوفل تحلیلگر آمریکایی: ترامپ رهبر ایران را ترور کرد. ایران امشب حزب جمهوری‌خواه را نابود کرد. خب، نشانه‌های اولیه نشان‌دهنده یک حمام خون کامل برای حزب جمهوری‌خواه است.

- فیلیپس اوبراین؛ مورخ و استاد مطالعات رهبری دانشگاه سنت اندروز: مورخان در آینده تصمیم آمریکا برای جنگ با ایران را بدترین تصمیم تاریخ این کشور برای آغاز یک جنگ خواهند دانست؛ تصمیمی که هم از نظر استراتژیک و هم از نظر سیاسی فاجعه‌بار بوده است

- پالیسی تنسور مفسر ژئوپلیتیک آمریکایی: ایران امشب به یک جایزه تسلی‌بخش دست یافت. ایران امشب به یک هدف ثانویه مهم دست یافت: ضربه‌ای چنان سنگین وارد کرده که هر رئیس‌جمهور آینده‌ای پیش از حمله دوباره به ایران، دو بار فکر خواهد کرد. تهران در حال جشن گرفتن یک پیروزی سیاسی بزرگ و جایگاه بین‌المللی تازه‌ای است که به دست آورده است. اما مأموریت راهبردی هنوز محقق نشده است.

- نوت جروم پاول فعال پرمخاطب آمریکایی در شبکه ایکس: ترامپ تازه فهمیده که چرا ۷ رئیس‌جمهور قبل از او به ایران حمله نکردند

- ساندیپ مانودانه، تحلیلگر ژئوپلیتیک هندی: این واقعیت که ایرانی‌ها تصمیم گرفتند مقابله کنند و اسرائیل و آمریکا را به دردسر و عذاب بیندازند و مانند ونزوئلایی‌ها تسلیم نشدند، باعث ویرانی و شکست کامل اردوگاه جمهوری‌خواهان در آمریکا و نتانیاهو در اسرائیل شده است و همچنین پیروان و هواداران آن‌ها در نقاط دیگر جهان.

متنفرم که بگویم، اما آمریکا تمام شده است

لورا لومر، یهودی جنگ‌طلب حامی ترامپ، به شکست تاریخی جمهوری‌خواهان با ادبیاتی خشمگینانه و مستأصل گفت: متنفرم از اینکه این را بگویم، اما آمریکا تمام شده است. کمونیست‌ها و جهادی‌ها مرزهای ما را باز خواهند کرد و آرای ما را با آرای بیگانگان غیرقانونی جایگزین خواهند کرد. اکنون نمایندگانی داریم که آشکارا از نفرت خود از آمریکا، عشق خود به کمونیسم و حمایت خود از قانون شریعت صحبت می‌کنند. جشن ۲۵۰ سالگی آمریکا، یک مراسم تشییع جنازه بود. رؤیای آمریکایی مرده است.

الیزابت بیاورز استاد حقوق و پژوهشگر حقوق امنیت ملی و معاون امور عمومی اندیشکده کوئینسی هم می‌گوید: واقعاً چه پایان طعنه‌آمیز و بی‌نقصی برای میراث سیاسی لیندسی گراهام (باخت خواهر گراهام در انتخابات سنا)؛ اینکه ایران در خود کارولینای جنوبی هم باعث تغییر حکومت شد.

از سوی دیگر ماری ترامپ برادرزاده ترامپ گفت: دونالد! بابت تمام زحماتی که کشیدی از بی‌کفایتی، فساد، خیانت به کشور و پشت‌کردن به مردم آمریکا تا مطمئن شوی دموکرات‌ها به شکلی پیروز شوند که دو سال آینده زندگی‌ات را به جهنم تبدیل کند از تو متشکریم.

آرون دیوید میلر، مذاکره‌کننده ارشد سابق آمریکا نیز خاطرنشان کرد: با توجه به اینکه هم در میان جمهوری‌خواهان و هم دموکرات‌ها فعالیت کرده‌ام و به هر دو حزب رأی داده‌ام، به‌ندرت در تاریخ آمریکا دیده شده است که یک رئیس‌جمهور، به‌تنهایی و بدون کمک چندانی از دیگران چنین حزب خودش را به ورطه سقوط بکشاند و در عین حال به مخالفانش جان تازه‌ای ببخشد

ترامپ، رئیس‌جمهور لنگ شد

در حالی که فایننشال تایمز تیتر زده «تحقیر بزرگ دونالد ترامپ»، گاردین نوشت: «ناقوس مرگ ترامپیسم بالاخره به صدا درآمد». هم‌زمان، واشنگتن‌پست تأکید کرد: رأی‌دهندگان آمریکایی به رئیس‌جمهور ترامپ ضربه‌ای تاریخی وارد کردند که از سال ۱۹۷۴ بی‌سابقه بود.

نشریه آتلانتیک هم معتقد است: ترامپ مجبور شده با مرگ سیاسی خود روبه‌رو شود. او اکنون رسماً و به‌طور کامل یک رئیس‌جمهور لنگ است. ترامپ بی‌سروصدا کنار نخواهد رفت. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد رأی‌دهندگان نسبت به عملکرد رئیس‌جمهور در موضوعاتی که زمانی نقاط قوت او محسوب می‌شد، ناراضی هستند. ترامپ که زمانی یک غول بود، به‌سرعت خود را به‌عنوان یک روایت فرعی خواهد یافت

نقش جنگ ایران در رأی ۷۴ درصد رأی‌دهندگان

فاکس‌نیوز اعلام کرد: بیش از ۷۴ درصد رأی‌دهندگان آمریکایی اعلام کردند که جنگ ایران عاملی مهم و تأثیرگذار در انتخاب روز گذشته آن‌ها بوده و تنها ۲۶ درصد معتقدند جنگ ایران فاکتور مهمی در رأی آن‌ها نبوده است.

رویترز هم گزارش داد: نتایج نظرسنجی‌های پای صندوق در انتخابات آمریکا نشان می‌دهد ۷۵ درصد رأی‌دهندگان از روند کلان کشور ناراضی و عصبانی‌اند و ۷۰ درصد رأی‌دهندگان خواستار تشدید نظارت جدی‌تر توسط کنگره بر عملکرد دولت شدند.

معنای شکست راهبردی آمریکا و ترامپ

دنی سیترینوویچ افسر ارشد سابق امان (اطلاعات نظامی اسرائیل): در یادداشتی نوشت: انتخابات میان‌دوره‌ای ممکن است در نهایت به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ ثبت شود که به پایان جنگ با ایران منجر شد. این به آن معنا نیست که دور دیگری از تشدید تنش منتفی است. ترامپ ممکن است همچنان تصمیم بگیرد حمله بزرگی انجام دهد تا قدرت خود را به نمایش بگذارد، تهران را برای دادن امتیاز تحت فشار قرار دهد و پیش از پایان دادن به عملیات نظامی، ادعای پیروزی کند. اما واقعیت سیاسی در واشنگتن تغییر کرده است. نادیده گرفتن ارتباط میان بسته شدن تنگه هرمز، افزایش قیمت نفت و بالا رفتن قیمت بنزین برای مصرف‌کنندگان آمریکایی دشوار است. آنچه به‌عنوان یک رویارویی نظامی در هزاران کیلومتری سواحل آمریکا آغاز شد، اکنون به یک مشکل اقتصادی و سیاسی داخلی تبدیل شده است. آمریکایی‌ها هنگام سوخت‌گیری پول بیشتری می‌پردازند و دولت نیز هزینه سیاسی آن را پرداخت می‌کند.

این دقیقاً همان چیزی است که تهران امیدوار بود به آن دست یابد. ایران با مختل کردن جریان انتقال انرژی از تنگه هرمز، تلاش کرد نشان دهد که واشنگتن نمی‌تواند بدون تحمیل پیامدهایی بر اقتصاد آمریکا و در نهایت جایگاه سیاسی رئیس‌جمهور، در خلیج فارس جنگ به راه بیندازد. نتایج انتخابات میان‌دوره‌ای نشان می‌دهد که این راهبرد تأثیرگذار بوده است.

جنگ، آسیب‌پذیری آمریکا در خلیج فارس را آشکار کرد

سیترینوویچ می‌افزاید: ترامپ اکنون با مشکل دیگری نیز روبه‌رو است. او قطعاً نمی‌خواهد به‌عنوان رئیس‌جمهوری در تاریخ شناخته شود که جنگش با ایران به شکست بزرگ انتخاباتی جمهوری‌خواهان کمک کرد. با افزایش قدرت دموکرات‌ها در کنگره و نگرانی‌های فزاینده در درون حزب خودش، فضای سیاسی برای ادامه یک رویارویی بی‌پایان در حال محدودتر شدن است. در مقطعی، ممکن است هزینه ادامه درگیری از منافع سیاسی تداوم آن بیشتر شود. به نظر می‌رسد این انتخابات آغاز پایان عملیات نظامی کنونی علیه ایران را رقم زده است، حتی اگر پیش از پایان آن، رویارویی نظامی دیگری رخ دهد.

پیامدهای بلندمدت این وضعیت ممکن است حتی مهم‌تر باشد. جنگ، آسیب‌پذیری رؤسای‌جمهور آمریکا در برابر اختلال در عرضه انرژی خلیج فارس را آشکار کرده است. دولت‌های آینده باید در نظر بگیرند که یک رویارویی نظامی در خاورمیانه با چه سرعتی می‌تواند به افزایش قیمت بنزین، فشار سیاسی داخلی و پیامدهای انتخاباتی منجر شود.

این تجربه می‌تواند محاسبات واشنگتن درباره مداخله نظامی در منطقه را به‌طور بنیادین تغییر دهد. تهران نیز که تأثیر سیاسی توانایی خود در مختل کردن تنگه هرمز را مشاهده کرده است، بعید است این درس را فراموش کند.

بزرگ‌ترین عقب‌نشینی آمریکا از جنگ ویتنام

نشریه اینترسپت هم یادداشتی منتشر کرده با عنوان: «ابرقدرتی که در خاورمیانه آب می‌رود؛ ایران و انصارالله چگونه آمریکا را عقب راندند؟».

نویسنده خاطرنشان می‌کند: ناکامی آمریکا و اسرائیل در تحقق اهداف جنگ با ایران، بزرگ‌ترین عقب‌نشینی واشنگتن از خاورمیانه پس از خروج از ویتنام در سال ۱۹۷۵ را رقم زده است. ترامپ پس از رویارویی بی‌نتیجه با انصارالله در سال ۲۰۲۵، دو بار با ایران جنگید، اما توان پاسخ‌گویی تهران را از میان نبرد.

حملات ایران، شبکه‌ای متشکل از حدود ۲۰ پایگاه اصلی را که پشتوانه حضور نظامی آمریکا بود، به‌شدت آسیب‌پذیر کرد. تأسیسات ناوگان پنجم در بحرین و مرکز عملیات هوایی پایگاه العدید قطر هدف قرار گرفتند و نیروهای آمریکایی نیز از عراق خارج شدند.

حملات پهپادی ایران ذخایر رهگیرهای آمریکا و اسرائیل را تحلیل برد؛ درحالی‌که یک پهپاد شاهد ممکن است تنها ۲۰ هزار دلار هزینه داشته باشد، هر موشک رهگیر پاتریوت حدود چهار میلیون دلار قیمت دارد. این نابرابری، حفاظت از پایگاه‌ها، جنگنده‌ها و حتی عملیات احتمالی نجات خلبانان در یمن را دشوار کرده است. خودداری ترامپ از ورود به جنگ عربستان و انصارالله، نشانه محدودشدن توان مداخله آمریکا در منطقه است.

آسیب‌پذیری عربستان در برابر حملات ایران، انصارالله را به گسترش فشار بر اقتصاد ریاض تشویق کرد. انصارالله با شعار «محاصره در برابر محاصره» گذرگاه باب‌المندب را به اهرم فشار تبدیل کرد و پالایشگاه‌ها، تأسیسات نفتی و فرودگاه‌ها را هدف گرفت. نیروهای این جنبش بندر راهبردی مخا را نیز تصرف کردند و به‌سوی تعز پیش رفتند.

پس از موج حملات اکتبر، واشنگتن دستور خروج کارکنان غیرضروری دولت آمریکا و خانواده‌هایشان از عربستان را صادر کرد، اما از مداخله مستقیم پرهیز کرد. سرنوشت جنگ یمن به‌تنهایی نتیجه تقابل ایران با آمریکا و اسرائیل را تعیین نمی‌کند؛ بااین‌حال، توانایی انصارالله در ادامه چنین نبردی نشان می‌دهد که دامنه نفوذ و قدرت نظامی واشنگتن در خاورمیانه تا چه اندازه کاهش یافته است.

ایران اکنون در موقعیت برتر ایستاده است

شان بل، سرلشکر بازنشسته ارتش انگلیس با اذعان به شکست آمریکا گفت: ایران، شکست‌ناپذیر است؛ آمریکا در برابر ایران ناکام ماند و ترامپ چاره‌ای جز مذاکره ندارد. ایران شکست نخورده و در مقایسه با آغاز جنگ، اکنون در موقعیت بهتری قرار دارد؛ بازگشت آمریکا به حملات نظامی نیز با پاسخ متقابل ایران روبه‌رو خواهد شد. ادعای آمریکا درباره آغاز جنگ با هدف جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای نیز فاقد شواهد روشن است. از سوی دیگر، جنگ با ایران و افزایش قیمت سوخت، محبوبیت ترامپ را در داخل آمریکا بسیار کاهش داده است.

جلیلی: پیام دشمن فریب است؛ دلیل؟ تجربه

رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی گفت: گاهی برخی فریبکاری دشمن را انکار کرده و می‌گویند: «ببینید، آن‌ها پیام داده‌اند؛ چرا از فریب حرف می‌زنید؟» به قول امام شهید: «دلیل؟ تجربه». دشمن چند بار وسط گفت‌وگو و مذاکره، حمله نظامی انجام داد. این مربوط به یک دوره قدیمی مثل ۵۰ سال پیش نیست! کمتر از دو سال پیش، وسط مذاکره حمله کرد. بعد دوباره مذاکره شد، دوباره حمله کرد. دوباره تفاهم شد، دوباره آن را به هم زد؛ این‌ها چیزی نیست که قابل انکار باشد.

دکتر سعید جلیلی، نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی در صد و شصت و یکمین جلسه از سلسله جلسات حکمت سیاسی اسلام در قرآن با بیان اینکه دشمن رویکرد خصمانه و براندازانه دارد، به دنبال تسلیم ایران است و رسماً آن را عنوان می‌کند، گفت: در گذشته، وقتی این بحث‌ها بیان می‌شد، عده‌ای می‌گفتند: «شما توهم توطئه دارید؛ هی دشمن‌دشمن نکنید.» اما امروز آن‌قدر این دشمنی روشن و بدیهی است که همه به آن اذعان دارند.

وی افزود: همین دشمنی که در پی نابودی شماست، در تاکتیک‌های خود از فریب نیز استفاده می‌کند و ابایی ندارد از اینکه دروغ بگوید.

جلیلی خاطرنشان کرد: گاهی برخی فریبکاری دشمن را انکار کرده و می‌گویند: «ببینید، آن‌ها پیام داده‌اند؛ چرا از فریب حرف می‌زنید؟» به قول امام شهید: «دلیل؟ تجربه».

دشمن چند بار وسط گفت‌وگو و مذاکره، حمله نظامی انجام داد. این مربوط به یک دوره قدیمی مثل ۵۰ سال پیش نیست! کمتر از دو سال پیش، وسط مذاکره حمله کرد. بعد دوباره مذاکره شد، دوباره حمله کرد. دوباره تفاهم شد، دوباره آن را به هم زد؛ این‌ها چیزی نیست که قابل انکار باشد.

نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی با بیان اینکه قرآن می‌فرماید تا جایی که از پایان جنگ خاطر جمع نشدی، آمادگی خودت را حفظ کن، اظهار داشت: ممکن است در جنگ، قوای نظامی شما خوب عمل کند. موقعیت شما، موقعیت برتر باشد اما نرم‌افزار شما دچار تردید شود. نباید آن چیزی را که با سخت‌افزار به دست آورده‌اید، به واسطه اخلال در نرم‌افزار از دست بدهید. وی با اشاره به اینکه دشمن ابایی ندارد که بگوید به دنبال فریب است، گفت: دشمن در همین جسارتی که علیه امام شهید انجام داد، گفت: «از ۱۵ روز قبل، عملیات خود را برنامه‌ریزی کرده بودیم!» اما در ظاهر مشغول مذاکره بود و عده‌ای در داخل می‌گفتند مذاکرات پیشرفت داشته! نیم ساعت پس از حمله دشمن به بیت رهبر معظم انقلاب، زیرنویس شبکه خبر تلویزیون به نقل از وزیر امور خارجه این بود که مذاکرات پیشرفت خوبی دارد.

جلیلی بیان داشت: وقتی در جنگ ایستادگی کردید، ثبات قدم خود را حفظ کنید. دچار تردید نشوید. اگر ثابت‌قدم باشید، بدانید که به ق